

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهای درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۴۹) خرد (۱)

از آن آشنا پرسیدم:

- شما قصد دارید در این گفتگو ها چه بگویید و از چه شیوه ای استفاده کنید؟

پاسخ داد:

- اگر "او" بخواهد و اجازه دهد، من، بر مبنای جهان بینی توحیدی راستین، در اولین بخش از گفتگوهای

آینده مان، به شرح این نکته می پردازم که

شما از کجا آمده اید و چرا این جا هستید

و در ادامه آن خواهم گفت که

چرا باید - و چگونه می توانید - به آن مبدأ (یعنی به پیشگاه "او") باز گردید.

و افزود:

- در این راه، خرد (نه عقل استدلالی) راهنمای ما، و حکمت (نه فلسفه) روش ما خواهد بود.

پرسیدم:

- چرا شما این قدر نسبت به فلسفه بدبین هستید.

فرمود:

- چون فلسفه ساخته و پرداخته استدلالات عقلی خود انسان هاست؛

عقل، امری غیر یقینی و مستعد خطاست و فیلسوفان هر آن ممکن است در استدلال خود مرتکب اشتباه

شوند؛

به ویژه آن که غالب ایشان، فلسفه را برای رسیدن به حقیقت و سعادت کافی می دانند و خود را از آن ریسمان

الهی بی نیاز می بینند.

پرسیدم:

- حکمت چه؟ آیا حکیم مصون از اشتباه است؟

فرمود:

- حکمت، تنها به خواست و به اذن "او"، از دل براهین شهودی خرد، به شخص لایق اعطا می گردد،

و گرچه

شهود، امری یقینی است،

با این وجود،

حکیم نیز هرگز نباید ریسمان آسمانی را رها کند و اجرای فرامین الهی را به دست فراموشی سپارد؛

چون

شبه خرد خودسر و بی لگام و شبه حکمت حاصل از آن، هیچگاه نمی توانند جایگزین ریسمان الهی شوند

و بی تردید به کجروی و گمراهی منجر خواهند شد.

پرسیدم:

- دور جدید گفتگو های ما، از کجا آغاز خواهد شد؟

فرمود:

- از اثبات وجود "او".

"او" که همواره هم اول است و هم آخر.

افزود:

- من پیش تر در این باره برهانی را ارائه کرده ام.

شما یک بار گفتید که برهان من راجع به واجب الوجود بودن کامل مطلق را به خوبی به یاد دارید.

لطفاً آن را برایم بازگو کنید تا بحث هایمان را با مرور آن برهان آغاز کنیم.

گفتم:

- فرمودید که اگر خرد بیکران، یک مجموعه کامل مطلق یا مطلقاً کامل را تصور کند، آن مجموعه، دیگر فقط یک تصور نیست بلکه به یقین موجود هم خواهد بود، یا به بیان دیگر نمی تواند موجود نباشد.

پرسید:

- مجموعه کامل مطلق یا مطلقاً کامل یعنی چه نوع مجموعه ای؟

پاسخ دادم:

- یعنی مجموعه ای با بی نهایت توانایی ها و ویژگی های مثبت و سازنده، و در عین حال عاری از هرگونه

ضعف و نقص

پرسید:

- چرا چنین مجموعه ای واجب الوجود است و نمی تواند ناموجود باشد؟

گفتم:

- اگر آن مجموعه مفروض موجود نباشد، جای یک ویژگی مثبت مهم - یعنی وجود - در آن خالی است و

دارنده آن مجموعه نیز "ناتوان" از "بودن" است و این خلاف فرض ماست؛ چون قرار بود که آن مجموعه

عاری از هرگونه نقص و ضعف (کاستی و ناتوانی) باشد.

نگاهش به من نشان می داد که جواب مرا قابل قبول می داند، اما

فرمود:

- آن چه گفتید شبیه به پاسخ های دانش آموزان و دانشجویانی است که برای شرکت در یک آزمون کتبی، متن درس را حفظ می کنند و عیناً آن را در برگه امتحان می نویسند و نمره کامل هم می گیرند بی آن که دقیقاً بدانند که چه نوشته اند.

ولی

من تنها در صورتی به شما نمره قبولی می دهم که مطمئن شوم که شما معنای کلماتی را که به کار بردید دقیقاً می دانید.

سرم را پایین انداختم.

گفتم:

- آری. درست می گوئید. معنای برخی واژه ها و مفاهیم، چون خرد، تصور، بیکران و بی نهایت، برایم کاملاً روشن نیستند.

فرمود:

- حق دارید.

چون

اولاً، در بسیاری موارد، این گونه مفاهیم به هم وابسته اند و درک هر یک از آن ها مستلزم درک مفهوم یا

مفاهیم دیگر است

و ثانیاً، افراد عادی

از یک سو

این واژه ها و مفاهیم را در معانی گوناگون به کار می برند

و از سوی دیگر

اغلب ایشان تفاوت و مرز بین این واژه ها و مفاهیم را نمی دانند؛ مثلاً عقل را باخرد، قلب را با دل، و مغز را با ذهن یکی می پندارند.

افزود:

- پس بهتر آن است که

من و شما در گفتگوهایمان به این که دیگران این واژه ها و مفاهیم را به چه معنایی به کار برده اند و یا می برند کاری نداشته باشیم

و

برای آن که، از این پس، گفته های یکدیگر را به خوبی بفهمیم، ابتدا خودمان روی معانی آن ها توافق کنیم؛ البته نه آن گونه که می پسندیم بلکه آن گونه که با واقعیت و حقیقت مطابقت داشته باشد.

موافقید؟

گفتم:

- بله. چرا که نه؟

و پیشنهاد کردم:

- بیایید بحث دربارهٔ واژه ها و مفاهیم را با مفهوم خرد شروع کنیم.

فرمود:

- با کمال میل.

چون

خرد، در مقام یکی از مهم ترین توانایی های آدمی، راهی برای ورودِ حکمتِ اعطاییِ خداوند به دلِ انسان هاست.

پرسیدم:

- آیا خرد به همه انسان ها داده شده است؟ چرا به آدمی داده شده است؟

چه کارهایی از آن بر می آید؟ و چرا بسیاری از انسان ها از آن بهره لازم را نمی برند؟

فرمود:

- ابتدا به این که آیا خرد به همه انسان ها اعطا شده است و جایگاه آن در توانایی های انسان چیست اشاراتی خواهم داشت.

اما این که

چرا خرد به انسان عطا شده است و شأن نزول آن چیست

و نیز این که

چرا انسان ها به خرد بی توجه اند و دلیل نزول شأن آن در بین آدمیان چیست

نیازمند توضیحات جداگانه و مفصلی است که، به خواست "او"، در جای مناسب در گفتگوهای آینده

به آن ها خواهیم پرداخت.

ادامه دارد